

یادداشت

چرخش در سیاست؟



محمد حسین واحدی

کارشناس مسائل سیاسی

چرچیل سیاستمدار و نخست وزیر معروف انگلیسی می‌گفت در سیاست ما دوست و دشمن دائمی نداریم آنچه که همیشه ارجحیت دارد منافع ملی است. در روزهای اخیر ما شاهد برانگیختن ایرانیان و برخی مقامات سابق و حال حاضر دولتی هستیم که یک به یک می‌آیند در تحلیل‌ها، توثیبات و یادداشت‌هایشان روسیه را دشمن تاریخی ایران و کشوری منفعت طلب قلمداد می‌کنند. مردم ایران اخیرا مثال‌هایی مانند جدایی بخش‌هایی از کشور توسط روسیه، عملکرد این کشور در برجام و بحث تحویل سامانه اس ۴۰۰ را می‌زنند که در نوع خود جالب است. اما مشکل اصلی کجاست این سوال پیش می‌آید؟ در علوم سیاسی ما نباید به هیچ کشوری به صورت مطلق اطمینان کنیم زیرا در علوم سیاسی همه چیز نسبی است و در عین حال هم نباید تمام تخم مرغ‌های خود را در درون یک سبد بگذاریم. شاید تنها اشتباه محاسباتی که ایران انجام داده اینکه به صورت مطلق از روسیه و چین حمایت کرده که البته چین در سابقه تاریخی خود خیانتی علیه ایران نداشته است. دولت به خاطر روحیه غرب ستیزی که روسیه دارد سعی کرده با آن هم پیمان شود که بسیار هم معقول است اما تنها خطا حمایت تمام و کمال از روسیه باعث می‌شود نگاه روسیه به ما تغییر کند. البته روسیه نیز به طور کامل به دنبال تجزیه ایران نیست زیرا نه قدرتش را دارد و در حال حاضر می‌تواند این عمل را انجام دهد ارتش روسیه در جنگ اخیر بسیار فرسوده شده و حتی در برابر بیشتر کشورهای دنیا حیثیت سیاسی زیادی مانند گذشته ندارد از جمله کشورهای غربی. این کشور به دو دلیل این کار را می‌کند و ایران را به صورت مقطعی تنها می‌گذارد به خاطر مقروض بوی پول شدن در جنگ اخیر دست در دست اعراب می‌گذارد تا سرمایه‌ای طلب کند و دوم سعی می‌کند خود را از انزوای بین‌المللی تا حدی در بیاورد و گرنه مشکلی به آن صورت با ایران نداشته است. ایران نیز از بخواهد می‌تواند اقدام روسیه را تلافی کند. از طرفی ایران می‌تواند با امریکاسر میز مذاکره بنشیند بدون حضور روسیه و رسماً توافق کند تا روسیه را تحت فشار بگذارند. تنها راه مقابله با اعراب و اجازه ندادن به روسیه این است که ایران خود را از لحاظ مختلف قدرتمند سازد چه از لحاظ نظامی و چه از لحاظ اقتصادی که در حال حاضر ایران فقط مولفه قدرت نظامی را داراست. اما در حال حاضر به دلیل این که جنگ حماس و اسرائیل اتفاق افتاده و ایران نیز سمت فلسطین بوده همیشه مواضع اش نمی‌تواند با غرب متحد شود و گروه‌های مقاومت را تنها بگذارد اگر این کار انجام بدهد جایگاهش را پایش نیروهای مقاومت از دست می‌دهد.

خبر

وضعیت صندوق توسعه ملی در دولت سیزدهم چگونه است؟

چندی پیش مهدی غسنفزی رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی گفته بود که «از ذخایر ۱۵۰ میلیارد دلاری این صندوق حدود ۱۰۰ میلیارد توسط دولت‌های مختلف برداشت شده و حدود ۴۰ میلیارد نیز تسهیلات پرداخت شده است. به گفته غسنفزی سود فعالیت ۱۰ ساله صندوق توسعه ملی، صفر دلار بوده است. او دلیل کاهش ذخایر صندوق را ارزان‌فروشی نفت و گاز خوانده و گفته «برخی پروژه‌های نفت و گاز به رغم رسیدن به مرحله بهره‌برداری، از بازپرداخت منابع صندوق اجتناب می‌کنند و برخی نیروگاه‌ها نیز به بن بست خورده‌اند.» صندوق توسعه ملی ایران یک نهاد دولتی است که سال ۱۳۸۹ بعد از شکست صندوق ذخایر ارزی تأسیس شد. در واقع سال ۱۳۸۷ دولت احمدی‌نژاد هیات امنای حساب ذخیره ارزی را منحل کرد و این به معنای پایان کار این حساب تعبیر شد. محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۷ موجودی حساب ذخیره ارزی را محرمانه اعلام کرده بود. معروف است که دولت احمدی‌نژاد ته حساب ذخایر ارزی کشور را جارو کرده و دولت را به روحانی تحویل داد. این در حالی است که مقادیر قابل توجهی ارز از دولت خاتمی به احمدی‌نژاد رسیده بود و قیمت نفت در دوره احمدی‌نژاد بیشترین رکورد خود را در تاریخ ثبت کرده است. سال ۸۶ ایرج ندیمی نماینده وقت مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی گفته بود که «احمدی‌نژاد میلیاردها تومان پول از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده تا مطالبات مردم را که در سفرهای استانی از طریق نامه به هیات دولت رسیده بود پرداخت کند»، ندیمی گفته بود رئیس‌جمهور برای پاسخگویی به نامه‌های مردم در سفرهای استانی از وزارت نفت درخواست کرده است مبلغ ۱۵۰ میلیارد تومان به یکی از نهادهای بدهند تا آن‌ها ۵۰۰ میلیارد تومان دیگر به آن اضافه و در جهت پاسخ به نامه‌های سفرهای استانی هزینه کنند. در دوره‌ای برداشت از صندوق توسعه ملی حتی برای واردات میوه هم انجام شده بود. در همان دوره دو نماینده مجلس، وزیر بازرگانی دولت احمدی‌نژاد را برای پاسخ به سوالاتی درباره برداشت از حساب ذخیره ارزی، جهت واردات میوه شب عید به مجلس فراخواندند!

هدف از تشکیل صندوق توسعه ملی چه بود؟

هدف از ایجاد صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۸۹، ذخیره درآمد هائنتی برای آیندگان بود. قرار بر این بود که عواید حاصل از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فراورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی برای حفظ سهم نسل‌های آینده از این منابع طبیعی تبدیل شود. از سوی دیگر قرار بر این بود دولت‌ها روز به روز وابستگی‌شان به درآمدهای نفتی کم‌تر شود و این درآمد‌ها برای هزینه‌های سرمایه‌ای، در صندوق توسعه ملی ذخیره شود. بر همین اساس هم در برنامه پنجم توسعه قرار بر این بود که دست‌کم ۴۰ درصد منابع حاصل از صادرات نفت، گاز و فراورده‌های گازی و نفتی به این صندوق واریز شود. براساس قانون برنامه ششم توسعه ۴۰ درصد منابع درآمد نفتی سهم صندوق توسعه ملی شد. اما به گفته عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس باز هم معمولاً دولت‌ها هر ساله اجازه‌ای از رهبری می‌گیرند و ۴۰ درصد منابع صندوق را برداخت می‌کنند و ۲۰ درصد دیگر را برای مصارف خود هزینه می‌کنند. این کار معمولاً با پیش‌فرض بدی دولت به صندوق انجام می‌شود، اما معمولاً بازپرداختی انجام نمی‌شود.

ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در جنگ تئوری‌ها آتش بیار معرکه باشیم

نزاع گفتمانی باعث قوی‌تر شدن گفتمان‌ها

می‌شود

سوزده محوری و ذهن محوری جای خود را به

بینادهنیت داده است



بود امروز جای خود را به ذهن و شعور مشترک داده است. در گذشته «خرد نقاد خودپند» وجود داشت و سوزده به تنهایی درباره جهان می‌اندیشید. به همین دلیل نیز عباراتی مانند «من می‌اندیشم پس هستم» عنوان می‌شد. این در حالی است که با تبدیل محوریت انسان به مردم به جای اینکه عنوان شود «من می‌اندیشم پس هستم» باید گفت «ما می‌اندیشیم پس هستیم». امروز موسیقی و تصویر مهم‌ترین ابزار ارتباطات جهانی هستند. این ابزار نیز گفتمان مورد توجه در گذشته را به دیالوگ تبدیل کرده است». در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

پیش نمی‌برد؟

جامعه اسلامی سیستم عرفی دارد. در کلام به عرف فطرت می‌گویند معادل فطرت در فقه می‌شود عرف.

در جامعه ای که جامعه اسلامی است می‌دانیم که اگر غرایز مشروع ارضا بشوند و حفظ نظام اجتماعی بر همان اساس بنا شود، خود به خود معنویت ایجاد می‌شود. ما معنویت را در ارضای مشروع غرایز می‌دانیم و نظام اجتماعی را با هنجار حفظ می‌کنیم و نه با قانون در چنین جامعه‌ای یک سوپر استراکچر یا فراساختار ایجاد می‌شود. فراساختار تمام تضاد‌های ساختاری جامعه اسلامی را از بین می‌برد. ارضای غرایز به صورت مشروع یک نوع آرامش در جامعه به وجود می‌آورد که این آرامش دیگر مانع انحطاط ساختاری می‌شود. سوپر استراکچر جامعه را پویا می‌کند و آن را به پیش می‌برد و از فساد هم جلوگیری می‌کند. با این ساختارها چرخه‌ای به وجود می‌آید که تضاد‌ها به جای اینکه به تضاد‌های فلسفی تبدیل شوند و بعد یکدیگر را محکوم کنند در یک کلیت هماهنگ قرار می‌گیرند.

آیا این اتفاق در عمل هم رخ داده و یا تنها در حد تئوری و نظریه پردازی است؟

پیشرفت جزو بنیاد‌های اسلامی است. زندگی مردم بر اساس بویایی است. هر چه گزینه بیشتر ارضا شود معنویت بیشتر می‌شود و آن ساختار پیشرفت را می‌توان بدون پدید آمدن مشکلی به وجود آورد و هم پیشرفت‌های غربی که غالباً بر مبنای تضاد پیدا می‌شود و نتیجه‌اش هم جنگ‌هاست را نخواهیم داشت. مثلاً دولت آمریکا برای تأمین هزینه تأمین اجتماعی اش باید سلاح تولید کند تا با فروش آن و بهره‌گیری از مالیاتش بتواند اقشار متوسط و پایین را تأمین کند. در این سیستم فقیر، رقیب‌تر می‌شود و غنی غنی‌تر. یعنی ساختار تئوریک این‌ها مبتنی بر فقر جهانی است و گزینه سلاح تولید نمی‌شود. هند هم همین ساختار را ادامه داده که فاصله فقیر و غنی در آنجا هم بسیار زیاد شده است. این اتفاق در چین هم در حال وقوع است. البته من هم معتقدم ما از مبنای تئوریکی که عرض کردم تا حدودی فاصله گرفته‌ایم و جامعه امروز ایران در وضعیت دیگری قرار دارد. امروز در تحولات جهانی سوزده محوری و ذهن محوری جای خود را به بینادهنیت داده است. مفاهیم مبنایی و کلیدی گذشته که اغلب به صورت فردی و با محوریت انسان شکل گرفته بود امروز جای خود را به ذهن و شعور مشترک داده است. در گذشته «خرد نقاد خودپند» وجود داشت و سوزده به تنهایی درباره جهان می‌اندیشید. به همین دلیل نیز عباراتی مانند «من می‌اندیشم پس هستم» عنوان می‌شد. این در حالی است که با تبدیل محوریت انسان به مردم به جای اینکه عنوان شود «من می‌اندیشم پس هستم» باید گفت «ما می‌اندیشیم پس هستیم». امروز موسیقی و تصویر مهم‌ترین ابزار ارتباطات جهانی هستند. این ابزار نیز گفتمان مورد توجه در گذشته را به دیالوگ تبدیل کرده است. این نیز تغییر جدی دیگری بوده که به واسطه تحولات جهانی رخ داده است. گفتمان در قدرت تعریف می‌شود در حالی که دیالوگ خارج از قدرت است و بین مردم جریان پیدا می‌کند. نکته دیگر اینکه ما با یک انقلاب پارادایمی در علوم انسانی مواجه هستیم و «علوم انسانی» جای خود را به «علوم مردمی» داده است. از سوی دیگر «جامعه» نیز جای خود را به «اجتماع» داده است. در نتیجه هنگامی که نقش محوری انسان در جامعه در دوران مدرنیته به مردم تبدیل می‌شود و جامعه نیز به اجتماع تبدیل می‌شود مردم به واسطه تاریخ اجتماعی خود دوباره به سنت‌ها گرایش پیدا می‌کنند و سنت‌های گذشته دوباره زنده می‌شود. این بازگشت به سنت‌ها در جامعه ایران به ما مشاهده می‌شود. نام این تغییر پارادایمی ویرانگری نیست و بلکه نوعی رویکرد متعارض با وضعیت موجود و پارادایم مدرنیته

امروز در تحولات جهانی سوزده محوری و ذهن محوری جای خود را به بینادهنیت داده است. مفاهیم مبنایی و کلیدی گذشته که اغلب به صورت فردی و با محوریت انسان شکل گرفته بود امروز جای خود را به ذهن و شعور مشترک داده است. در گذشته «خرد نقاد خودپند» وجود داشت و سوزده به تنهایی درباره جهان می‌اندیشید. به همین دلیل نیز عباراتی مانند «من می‌اندیشم پس هستم» عنوان می‌شد. این در حالی است که با تبدیل محوریت انسان به مردم به جای اینکه عنوان شود «من می‌اندیشم پس هستم» باید گفت «ما می‌اندیشیم پس هستیم». امروز موسیقی و تصویر مهم‌ترین ابزار ارتباطات جهانی هستند

می‌آید. از سوی دیگر ما قبول داریم که زندگی مردم و حفظ نظام اجتماعی بنیادی‌ترین اصل است. جمهوریت به این معنا در ربط اسلام است و حاکم بر کل احکام اسلامی است. چون حاکم‌ترین و واردترین اصل در جامعه همین است و حکومت بر این اساس بنا می‌شود. پس جمهوریت و اسلامیت این طور به هم ربط پیدا می‌کنند و پیوند می‌خورند و به همین دلیل زندگی مردم برای ما اصل است. به همین دلیل ارضای غرایز به طور مشروع، یکی از مهم‌ترین بنیاد‌های ماست. این ارضای مشروع غرایز که در فقا‌هت ما با مسیحیت یا یهودیت یا فقا‌هت اهل سنت بسیار متفاوت است، خود به خود یک نوع ساختار هنجاری به قانونی برای حکومت ترسیم می‌کند.

به هر حال در کشورهای امروز جهان قانون فصل الخطاب است. آیا قرار گرفتن هنجار به جای قانون جامعه را به سمت ایدئولوژی و درج‌زدن سیاسی و فکری

هر گاه اصلاح طلبی به وجود می‌آید بلافاصله انتقاد نسبت به وضعیت موجود هم پدید می‌آید. از سوی دیگر ما قبول داریم که زندگی مردم و حفظ نظام اجتماعی بنیادی‌ترین اصل است. جمهوریت به این معنا در بطن اسلام است و حاکم بر کل احکام اسلامی است. چون حاکم‌ترین و واردترین اصل در جامعه همین است و حکومت بر این اساس بنا می‌شود. پس جمهوریت و اسلامیت این طور به هم ربط پیدا می‌کنند و پیوند می‌خورند و به همین دلیل زندگی مردم برای ما اصل است

نگره

زلزله ژئوپلیتیکی در خاورمیانه

تأثیر جنگ غزه

بر روابط تهران و ریاض

آشکار شدن تأثیر درازمدت جنگ اسرائیل در غزه بر نظم ژئوپلیتیکی و معماری امنیتی خاورمیانه نیازمند زمان بسیار بیشتری است. اما یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که این جنگ چه تأثیری بر تنش‌زدایی ایرانی و عربستانی خواهد داشت؟

◀ **دوروابیت اصلی**

دو روایت عمده درباره تأثیرات لشکرکشی اسرائیل بر روابط تهران-ریاض وجود دارد. یکی اینکه عملیات طوفان الاقصی و رفتار سایر بازیگران همسوا با ایران در منطقه، مانند حزب‌لبنان و گروه‌های شیعه عراق، نگرانی عربستان سعودی را در مورد ایران افزایش داده است. مورد دیگر این است که همبستگی اسلامی کنونی جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی را به هم نزدیک‌تر می‌کند. هر دو دولت خواستار آتش بس فوری هستند، تخریب بی‌سابقه‌ای را که لشکرکشی اسرائیل به مردم و زیرساخت‌های غزه تحمیل کرده است محکوم می‌کنند و عزم خود را برای حفظ صلح و ثبات در خلیج فارس اعلام می‌کنند. در نهایت، حقیقتی در هر دو روایت وجود دارد که دیگری را رد نمی‌کند. اگرچه ایران و عربستان سعودی در مورد بحران غزه نگرانی‌های مشترکی دارند، اما ریاض همچنین نگران توانایی تهران برای بهره‌برداری از این درگیری به شیوه‌هایی است که می‌تواند به طور بالقوه به ضرر پادشاهی و همسایگان عرب آن باشد.

وضعیت اغماض

یک استاد دانشگاه لنکستر، معتقد است که جنگ اسرائیل علیه غزه لزوماً تأثیر زیادی بر روابط ایران و عربستان نخواهد داشت. اما او فکر می‌کند که این درگیری پادشاهی را در برابر ایران در «وضعیت اغماض» قرار می‌دهد. القاشیان گفت عربستان سعودی نگران ایران و نقش منطقه‌ای آن است؛ و این بزرگترین نگرانی امنیتی سعودی‌هاست. در عین حال، عربستان می‌داند که اشغالگری اسرائیل و بمباران بی‌رویه آن در غزه بخشی از این بی‌ثباتی منطقه‌ای است. در حالی‌که ممکن است عربستان نگرانی‌ها و حتی نارضایتی‌هایی از پاسخ ایران داشته باشد، اما من تصور نمی‌کنم که تنش بین ایران و عربستان در خارج از چارچوب دیپلماسی و مذاکرات نمایان شود.

اهداف متفاوت برای آینده پسا-جنگ

مهم است که بدانیم، اگرچه ایران و عربستان سعودی هر دو خواهان اجرای آتش بس در غزه هستند، اما اهدافی را برای دوره پس از جنگ دنبال می‌کنند که با هم متفاوت است، به‌ویژه در مورد حکومت پس از جنگ در این منطقه تحت محاصره. یکی از مهم‌ترین دلایلی که هر دو کشور برای آتش بس تلاش می‌کنند، به وضعیت اقتصادی ایران و عربستان سعودی مربوط می‌شود. در حالی‌که ایران تحت فشار تحریم‌هاست، مقامات تهران نگران این هستند که سرریز احتمالی جنگ غزه به بخش‌های بیشتری از خاورمیانه می‌تواند به اقتصاد ایران آسیب برساند. عربستان سعودی نگرانی‌های خاص خود را در مورد تأثیر ادامه بحران در فلسطین بر چشم‌انداز ۲۰۳۰ و ولیعهد محمد بن سلمان دارد.

نگرانی مشترک

ایران و عربستان سعودی به عنوان دو کشور بزرگ با اکثریت مسلمان که به دنبال ایفای نقش‌های پیشرو در جهان اسلام هستند، یک نگرانی مشترک باورانی و مرگ ناشی از بمباران و عملیات زمینی اسرائیل دارند. ۱۱ اکتبر، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران و محمد بن سلمان اولین گفت‌وگوی تلفنی خود را از زمان امضای توافقنامه عادی‌سازی هفت ماه پیش داشتند. علاوه بر این، حضور رئیسی در اجلاس اضطراری مشترک اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی (OIC) درباره غزه که در ۱۱ نوامبر در ریاض برگزار شد، اولین سفر یک رئیس‌جمهور ایران به پادشاهی از سال ۲۰۱۲ بود.

تحکیم تنش‌زدایی: دیدار استراتژیک و غلبه بر معضل سفر اول

طلال محمد استاد دانشگاه آکسفورد و نویسنده کتاب رقابت ایران و عربستان می‌گوید: «سفر رئیسی به عربستان سعودی برای ایران بسیار مهم بود و با تمرکز استراتژیک تهران بر فلسطین و پیگیری رهبری منطقه‌ای و اسلامی همسو بود. مناقشه غزه فرصتی را برای ایران فراهم کرد تا اولین قدم دیپلماتیک را بردارد. این می‌کند» غلبه کند. محمد گفت: «این دیدار به عنوان تلاشی برای وحدت اسلامی و همبستگی با آرمان فلسطین به تصویر کشیده شد.» حمیدرضا عزیزی، عضو دموکروسه آلمانی امنیت و امور بین‌الملل، معتقد است: از ۱۷ اکتبر، عربستان سعودی در مرکز دستور کار دیپلماتیک جمهوری اسلامی قرار داشته است. او گفت: «در این دوره، وزیر امور خارجه ایران به طور مداوم با همتایان عرب خود از جمله وزیر خارجه عربستان سعودی تعامل داشت و دودهدف اصلی را دنبال کرد.» وی گفت که هدف اول تحکیم تنش‌زدایی ایران و عربستان و دوم متقاعد کردن ریاض برای کنار گذاشتن طرح عادی‌سازی با اسرائیل است. عزیزی گفت: «تهران همچنین قصد استفاده از این فرصت را داشته است تا نقش یک بازیگر مهم و فعال منطقه‌ای را بازی کند که قادر به تأثیرگذاری بر پویایی‌های منطقه با همکاری سایر کشورهاست.»